

# گزارش لاهه؛ پیش زمینه توسعه پایدار

بخش دوم

تهیه شده: ژان پرانک و محبوب الحق  
ترجمه: دکتر مصطفی مهاجرانی



▲ تا فقر از بین نرود، محیط زیست صلح‌آمیز بوجود نخواهد آمد.

## دستور کار قابل عمل

در دورنمای وسیعی از محیط‌زیست و توسعه که در بخش قبلی بدان اشاره شد، ما به دنبال شناخت و یافتن برخی از تصمیمات بحرانی هستیم که اجلاس زمین باید برای حفظ سلامت و پایداری عمومی جهان اتخاذ نماید. دستور کار محیط‌زیست در حال حاضر، بسیار پیچیده و درهم است. ضروری است که انتخاب اصلح به عمل آید، به طوریکه تمام وظایف اساسی و حیاتی در مدنظر قرار گیرند. دستور کار قابل عمل را با

در بخش نخست، ضمن آشنایی با مفهوم توسعه پایدار، شش سیاست اصلی معطوف به توسعه پایدار را ملاحظه فرمودید و اینک در بخش دوم مقاله، برنامه اجرایی پیشنهاد شده برای دستیابی به توسعه پایدار را در ده فراز درج خواهیم کرد.

توجه به چنین دیدگاهی می‌توان به شرح زیر در نظر گرفت:

۱) منابع اکولوژیکی نباید به نحو صحیح قیمت‌گذاری شوند، به طوریکه منعکس‌کننده ارزش واقعی یا کمیابی آنها باشند.

قیمت‌گذاری انرژی در سطح ملی باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد تا استفاده از انرژی با کارایی به مراتب بیشتری همراه باشد. اقتصادی کردن به طور قابل ملاحظه‌ای امکان‌پذیر است. به عنوان مثال، اگر روسیه و سایر کشورهای عضو اتحاد شوروی سابق که دو سوم ۲۳۰ میلیارد دلار یارانه انرژی جهان را می‌پردازند، اجازه دهند که قیمت سوخت‌های فسیلی در سطح بازار جهان افزایش یابد، در آن صورت، پخش دی‌اکسیدکربن در سطح جهانی ۶ درصد کاهش خواهد یافت. اگر تمام کشورهای در حال توسعه - از جمله چین - که حدود ۲۰ درصد گازکربنیک جهان را به علت سوخت زغال منتشر می‌کنند، یارانه انرژی خود را حذف کنند، میزان دی‌اکسیدکربن در سطح جهانی ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. اگر همه کشورهای صنعتی مدل استفاده از انرژی ژاپن را بکار برند، مصرف انرژی جهان ۳۶ درصد کاهش خواهد یافت.

- آلوده‌کننده‌ها باید مؤتلف باشند که صدمه وارده به محیط‌زیست را جبران و برداشت کنند. این موضوع باید در ساختار نظام مالیاتی همه کشورها منعکس شود.

- مالیاتی خاص تحت عنوان مالیات کربن باید برای سوخت‌های فسیلی در نظر گرفته شود. مالیاتی معادل ۵ دلار برای هر بشکه نفت (۲۵ درصد قیمت جاری هر بشکه نفت) باید از تولیدکننده و صادرکننده دریافت شود. این موضوع به عنوان مشوق، به افزایش کارایی در استفاده از انرژی که درآمد سالانه‌ای معادل ۱۰۰ میلیارد دلار را تأمین می‌نماید، کمک می‌کند. حتی اگر مصرف هم کاهش یابد (سه چهارم این درآمد توسط کشورهای صنعتی تأمین خواهد شد) درآمدی معادل ۶۰ میلیارد دلار از مصرف زغال می‌توان مالیات گرفت. حتی اگر ۱ دلار مالیات برای هر بشکه و معادل آنهم از زغال سنگ مصرفی گرفته شود، معادل ۴۰ میلیارد دلار در سال تأمین می‌شود که اثر زیادی برای تقاضای انرژی خواهد داشت.

- اخذ گواهی جیره‌بندی برای نشر گازکربنیک می‌تواند منعکس‌کننده هزینه اضافی استفاده از فضای اکولوژیکی به وسیله هر کشور باشد. به طریق اولی، این کار موجب هدایت منابع از کشورهای غنی به سوی کشورهای فقیر خواهد شد.

**۲) در بعضی نواحی زیست‌محیطی ممکن است نیاز به معرفی تعرفه‌های ضروری یا حساسی اجباری باشد.**

طبعاً قیمت‌گذاری درست بهتر از جیره‌بندی است، ولی تعرفه‌های ضروری در بعضی از نواحی مورد نیاز است.

- سقف ضروری انتشار گازهای CFC و سایر گازهای تخریب‌کننده لایه اوزون به وسیله پروتکل مونترال تعیین شده است که باید صادقانه به وسیله کشورها ملاحظه و مورد عمل واقع شود.

- بسیاری از کشورها استانداردهای مربوط به حداقل کارایی انرژی را برای صنایع، وسایط نقلیه و سکونتگاه‌ها که جنبه اجباری دارد و به طور منظم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، تعیین کرده‌اند. تجارب موفقیت‌آمیز این کشورها باید قابل دسترس برای همه کشورها باشد.

- قوانینی در رابطه با هوای پاک به وسیله بعضی کشورها به تصویب رسیده است که باید با شرایط کشورها تطبیق یابد و بکار برده شود.

- ضروری است که در این زمینه ارزیابی جهانی به عمل آید و راهبردهایی برای اطمینان از تعرفه‌های ضروری تنظیم شود و با کارایی لازم در شرایط واقعی بکار گرفته شده و به اجرا درآیند. برای آنهایی که این استانداردها را بکار نمی‌برند، باید جرایمی تعیین شود و مانند الگوی گات و سازمان جهانی کار اقدام شود.

**۳) برای تشویق استفاده از تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست، باید چارچوب جامعی تدوین شود.**

چنین چارچوب جامعی شامل اجزایی است که بعضی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

- نظام ایجاد انگیزه مالی برای توسعه تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست از طریق نظام عاقلانه و عادلانه مالیاتی.

- ایجاد نظام اطلاعات جهانی به طوریکه اطلاعات در مورد چنین تکنولوژی‌هایی در اختیار همه ملت‌ها قرار گیرد و هزینه‌ای برای ملل فقیر نداشته باشد.

- به استثنای اختراعات ملی و حق انحصاری طبع یا تصنیف برای تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست، باید بازار جهانی برای آنها بوجود آید و جنبه حفاظت و حمایت انحصاری در این تکنولوژی‌ها مطرح نشود.

- یافتن راهبردهایی برای اعمال در بخش

خصوصی به عنوان وظیفه‌های مهم برای انتقال تکنولوژی.

- ایجاد صندوق جهانی به منظور تأمین حداقل ۸۰ درصد هزینه‌های رو به افزایش تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست برای ملت‌های فقیر به صورت اعانه و به طوریکه آنها قادر باشند تکنولوژی‌های پاک را ترویج دهند و به جای فن‌آوری‌های آلوده بکار ببرند. - بکار بردن مکانیسمی برای پرداخت کلیه هزینه‌های اضافی به کشورهای در حال توسعه با یک تعرفه ضروری جهانی به همان نحو که در پروتکل مونترال آمده است.

**۴) ظرفیت ملی کشورهای در حال توسعه باید تقویت شود تا بتوانند سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار را تهیه کنند و به اجرا در آورند.**

تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه ظرفیت آن را دارند که به تدوین و اجرا و اداره برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست بپردازند و این برنامه‌ها را در تلاش‌های توسعه انسانی منعکس نمایند. لازمه تقویت ظرفیت‌های ملی برای این مقاصد، همانا ایجاد نهادهای مناسب و تربیت مردم است، ولی مفهوم دیگر آن ایجاد ظرفیت‌های خود حمایتی در زمینه تدوین و اداره سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست در پدید آوردن و جذب کردن تکنولوژی‌های متناسب در جوامع در حال توسعه است. حمایت و آگاهی از مسایل و فرصت‌های زیست‌محیطی برنامه جامع برای ایجاد ظرفیت‌های ملی باید حداقل شامل سه عامل زیر باشد:

- برنامه‌ریزی اداره حفاظت از محیط‌زیست برای کمک به کشورهای در حال توسعه برای بهتر کردن برنامه‌های ملی خود و اجرای دستورهای قابل عمل پذیرفته شده در اجلاس زمین.

- ایجاد دربرجه اطمینان به منظور ظرفیت‌سازی که ممکن است جدا از منبع تسهیلات جهانی حفاظت از محیط‌زیست به منظور تأمین ۱۵-۱۰ درصد از منابع مورد نیاز حفاظت از محیط‌زیست جهانی برای ظرفیت‌سازی و تقویت ظرفیت‌های موجود باشد.

- ایجاد شبکه توسعه پایدار به منظور بالا بردن میزان همکاری در بین کشورهای در حال توسعه از طریق مبادله اطلاعات و تجارب و سیاست‌سازی در زمینه توسعه پایدار.

**۵) باید برای حفاظت از محیط‌زیست و توسعه، منابع مشخص مالی از طریق بعضی موافقت‌نامه‌های عملی بین‌المللی فراهم شود.**

در تحلیل نهایی، عمل باید جایگزین حرف شده و بیانات باید با برنامه‌ریزی مالی جایگزین شوند. حداقل سه نوع طرز تفکر امیدوار کننده باید بتواند توجه کامل اجلاس زمین را به خود جلب کند:

- سود حاصل از صلح: تمام کشورهای صنعتی و در حال توسعه باید متعهد شوند که در دهه ۱۹۹۰ حداقل ۳ درصد از هزینه‌های نظامی خود را کاهش دهند. این گرایش واقعی در پنج سال گذشته بوده که سود حاصل از صلح واقعیت پیدا کرده، ولی هنوز تمهیدی برای توسعه پایدار نشده است. اگر این گرایش در زمینه کاهش هزینه‌های نظامی ادامه یابد و قسمت قابل ملاحظه و مطمئنی از این سود صلح برای توسعه پایدار تأمین شود، نتیجه قابل ملاحظه‌ای در دهه جاری به بار می‌آورد. کل سود صلح در حدود ۱/۵ تریلیون تا ۱/۲ تریلیون دلار در کشورهای پیشرفته و ۳۰۰ میلیارد دلار در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

- مبادله قروض: انتقال بدهی‌های جهان سوم به سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار، باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. این بدهی‌ها سنگین بوده و به یک رقم غیر قابل باور ۱/۳ تریلیون دلار می‌رسند و با افزایشی که مطمئناً در جدول بدهی‌ها پیدا می‌شود، سایه تاریکی را بر روی دورنمای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه خواهد افکند.

کوشش قابل ملاحظه‌ای لازم است تا بتواند یک سوم از این بدهی‌ها را کاهش دهد و با این تعهد همراه باشد که کشورهای ذینفع می‌توانند این منابع را سرمایه‌گذاری نموده و در واقع، منابعی را برای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه پایدار تأمین کنند.

- وضع کردن مالیات بین‌المللی: اجبار برای زنده ماندن ممکن است ایجاد کند که موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی برای وضع کردن مالیات برای حفاظت جهان تنظیم شود. پیشنهاد‌های زیادی برای وضع مالیات برای حفظ محیط‌زیست جهان ارائه شده است. مهمترین و امیدوارکننده‌ترین آنها عبارتند از: - تعیین میزان گازهای گلخانه‌ای اجازه می‌دهد که مقدار مجاز آن معین شود.

- مالیات عمومی جهانی، برای مشخص کردن سهم استفاده هر کشور از فضاها عمومی مانند اقیانوس‌ها (برای ماهیگیری، حمل و نقل) و یا بهره‌برداری از معادن قطب جنوب (برای استخراج معادن) یا فضا (ماهواره‌های ارتباطی).

جلسات بحرانی اجلاس زمین نشان خواهد داد که موافقت جدی بر روی بعضی از آنها و همچنین، در

مورد بعضی از پیشنهادها مربوط به تأمین هزینه‌ها عمل خواهد شد.

**۶) تنظیم چهارچوب نهادهای بین‌المللی برای کمک و تأمین منابع مالی به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار ضروری است.**

در حال حاضر، چندین پیشنهاد در مورد مکانیزم‌های جدید تأمین منابع مالی برای توسعه پایدار مطرح شده است. در بین آنها، پیشنهاد ایجاد «منابع سبز» که اندازه آن قابل توجه و چند منظوره بوده و براساس کمک‌های کشورهای غنی و نظام وضع مالیات بین‌المللی می‌باشد، مورد توجه جدی قرار گرفته است. گرچه به نظر می‌رسد که کمک‌کننده‌ها تمایل به ایجاد نهاد جدید ندارند، اما عقل حکم می‌کند که اجلاس زمین در حال حاضر، برنامه تسهیلات جهانی محیط‌زیست را بپذیرد و آنرا به عنوان تنها مکانیزم تأمین منابع مالی بشناسد. اگر چنین بشود، آنگاه چندین تغییر اساسی باید در چارچوب فعلی تسهیلات جهانی محیط‌زیست «جف» مورد ملاحظه قرار گیرد. محدوده «جف» باید گسترش یابد تا رابطه بین مسائل منطقه‌ای، ملی و جهانی در زمینه بیابان زایی، باران اسیدی، فروافت شهری، آلودگی آب، فرسایش خاک و ظرفیت‌سازی ملی مورد ساخت بیشتری قرار گیرد. در این صورت:

- حدود ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار (در مقایسه با کمتر از ۴۰۰ میلیون دلار) برای گسترش فعالیت‌ها مورد نیاز است که می‌تواند از طریق کمک‌های داوطلبانه و اشکال جدیدی از مالیات‌های بین‌المللی تأمین شود.  
- مدیریت و ساختار سیاست‌سازی «جف» باید وسیع‌تر شود تا مشارکت بیشتر کشورهای در حال توسعه را جلب نماید.

**۷) در بعضی از رشته‌های خاص نیاز مبرمی به سیاست‌سازی‌های زیست‌محیطی در سطح جهانی وجود دارد، مستقیماً در مورد انرژی، کشاورزی، جمعیت، بازارهای استوایی، تجارت بین‌المللی و انتقال تکنولوژی.**

تفکر در مورد برنامه‌ریزی جهانی جاه‌طلبانه و غیر واقعی است. علایمی از سیاست‌های روشن در بعضی از زمینه‌های زیست‌محیطی مورد نیاز است که بدون آنها ممکن است جهان با وضعی نامطمئن و هرج و مرج مواجه شود. نیاز به یک سیاست جهانی

حداقل در هفت زمینه زیر آشکار است:

الف) برای انرژی سیاست جهانی ضروری است، به طوریکه از یک طرف، نحوه استفاده از سوخت‌های فسیلی را اقتصادی نماید و از طرف دیگر، استفاده از منابع جدید تجدید شونده را گسترش دهد. در گفتگوهای شرق و غرب و شمال و جنوب نیز انرژی باید مورد بحث واقع شود. ما باید آمادگی داشته باشیم که قیمت انرژی‌های فسیلی را در سطح ملی و بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰ افزایش دهیم، به طوریکه به نحو قابل ملاحظه‌ای از رقم دهه ۱۹۸۰ پیشی بگیرد.

ب) سیاست جهانی برای کشاورزی پایدار مورد نیاز می‌باشد، به طوریکه این سیاست تأمین غذایی کافی و مطمئن برای هر یک از افراد را در مدنظر داشته باشد. این سیاست، باید افزایش تولید مواد غذایی در خود کشورهای در حال توسعه و تأکید هرچه بیشتر و ممکن به اشکال و تکنیک‌های پایدار و نیاز کمتر به انرژی، سرمایه و یا سایر نهادها را در اولویت قرار دهد.

پ) تا سال ۲۰۰۰ نیاز مبرمی به کاهش رشد جمعیت در سطح جهانی و در سطح ملی می‌باشد. باید اقدامات لازم به عمل آید و دانش تنظیم خانواده گسترش یابد، به طوریکه در سطح ۸۰ درصد خانواده‌ها مورد عمل واقع شود. برای آرایه آموزش‌های اساسی بهداشتی به تمام افراد در کشورهای در حال توسعه، بهترین وسیله جلوگیری از ازدیاد نسل می‌باشد. به منظور مقابله با فشار رشد جمعیت، همراه با افزایش مصرف، هر نوع سیستم قیمت‌گذاری برای تأمین فضای زیست بوم ضروری است.

ت) همچنین، به یک سیاست بین‌المللی در مورد حفاظت نیاز هست که هدف آن نگاهداری و حمایت از جنگل‌های استوایی و جنگل‌کاری در حوضه آبریز رودخانه‌ها، به منظور حفظ حاصلخیزی طبیعی خاک می‌باشد. مفهوم آن هم مبارزه با فرسایش خاک، بیابان‌زایی، آلودگی‌های ناشی از مواد جامد و مسمومیت‌های ناشی از تجمع مواد خطرناک است. انجام چنین کارهایی نیاز به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، مقررات و برنامه‌های کمک دارد و مفهوم واقعی آن این است که جامعه بین‌الملل باید در نواحی خاص که دارای ویژگی‌های اکولوژیکی به مراتب مهمتری هستند، احساس مسوولیت مشترک بنماید. صرفنظر از منابع مالی کشورهایی که در محل‌های جغرافیایی این نواحی استقرار یافته‌اند، باید کمک‌های لازم هم به این نواحی بشود، مانند منطقه آمازون، قطب جنوب، بعضی از دریاها و خاص و بعضی از نواحی که میراث جهانی انسان‌ها می‌باشند. ث) اتخاذ سیاست بین‌المللی در زمینه آب و هوا

بر اساس اهدافی معین، مشخص و محکم در زمینه انتشار CO<sub>2</sub> و سایر گازهای گلخانه‌ای در سطحی که توسعه پایدار را تضمین کند، ضروری است.

ج) هم چنین، احتیاج به سیاستی در زمینه بازرگانی و سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی است که هدف آن نباید آزادسازی و رشد باشد، بلکه در مقابل، باید جنبه‌های زیست‌محیطی آن مورد آزمون قرار گیرد. کشورها نباید اجازه دهند که آلودگی‌های آنها از طریق بازرگانی صادر شود. در عین حال، نباید اجازه داد که تحت عنوان ضوابط زیست‌محیطی، موانع غیر تعرفه‌ای بوجود آید.

بهترین کاری که در این مورد می‌توان انجام داد، همانا وضع استانداردهای حداقل زیست‌محیطی برای صادرات و واردات می‌باشد. بالاخره سیاست بین‌المللی دیگری در زمینه انتقال تکنولوژی مورد نیاز است که این تکنولوژی‌ها سازگار با محیط‌زیست باشند و محدودیت نداشته باشند، بلکه به صورت آزاد برای حیات انسان مورد استفاده قرار گیرند.

**۸) تمام کشورها باید تشویق شوند که در حساب‌های درآمد ملی خود احساس به محیط‌زیست را ایجاد کنند (تولید ناخالص داخلی سبز) و اثرات خدمات وارده به محیط‌زیست از لحاظ تولیدات ملی و بین‌المللی را در حساب‌های خود منعکس سازند.**

هر سال به طور مداوم منابع جهان مستهلک می‌شود و منابع طبیعی از بین می‌رود. منابع فیزیکی تحلیل رفته و استعداد انسانی از یک نسل به نسل دیگر نیاز به جایگزینی دارد. بدیهی است که اگر نسل حاضر در هر کشوری این از بین رفتن و مستهلک شدن را با پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کافی جبران نکند، فرسوده می‌شود و به کلی از بین می‌رود. حتی اگر پس‌اندازها کافی باشد و منابع طبیعی و یا استعداد‌های انسانی هم حالتی آماده برای بحران نداشته باشند، باز هم ممکن است تنگناهای دیگری بوجود آیند.

شاخص‌های سنتی اختصاری مانند تولید ناخالص ملی و تولیدهای ناخالص داخلی معیاری کافی برای پایداری نیستند. این معیارها، تولید را اندازه‌گیری می‌کنند، در حالی‌که اطلاعات ناچیزی در مورد مردم و شرایط زیست‌محیطی آنها را در اختیار می‌گذارند. اگر شرایط زیست‌محیطی مناسب نباشد، بیماری‌هایی بوجود می‌آیند و در نتیجه، هزینه‌های بهداشتی بالا می‌رود. بدین ترتیب، تولید ناخالص ملی به عنوان بالا رفتن سطح توسعه تفسیر می‌شود، حتی اگرچه وضع مردم و شرایط محیط‌زیست آنها بدتر

شده باشد. هم چنین، معیارهای درآمد جاری عاملی نیست که بتواند هزینه‌های آینده از بین رفتن فعلی منابع را تأمین کند.

همانطور که قبلاً ذکر شد، اگر از بین رفتن سرمایه طبیعی به حساب گرفته شود، اطلاعات قابل توجهی در حساب‌های درآمد ملی مورد نیاز خواهند بود. برای مثال، تولید ناخالص ملی کاستاریکا بین ۱۹۹۰-۱۹۷۰ حدود ۶ درصد و در اندونزی بین سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۷۱، حدود ۹ درصد کاهش یافته است. این ارقام فقط تعدیل مختصری است که منعکس کننده تمام ضایعات، وارده به سرمایه طبیعی این کشورها نبوده و مضافاً، ضایعات وارده به سرمایه انسانی نیز در آن‌ها به حساب نیامده است. شایان ذکر است که آماده کردن حساب درآمد ملی با توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی، حالت ثابت دارد. در حالی که معلوم نیست آنچه ما نسبت به طبیعت انجام می‌دهیم، چیست؟ و چه هزینه‌ای در مقابل برای ما بوجود می‌آید؟

**۹) یک جدول زمانی سه ساله برای تنظیم استراتژی توسعه انسانی برای کشورهای در حال توسعه و پیشرفته پیشنهاد شده است که باید در سطح جهان نیز هماهنگ شود.**

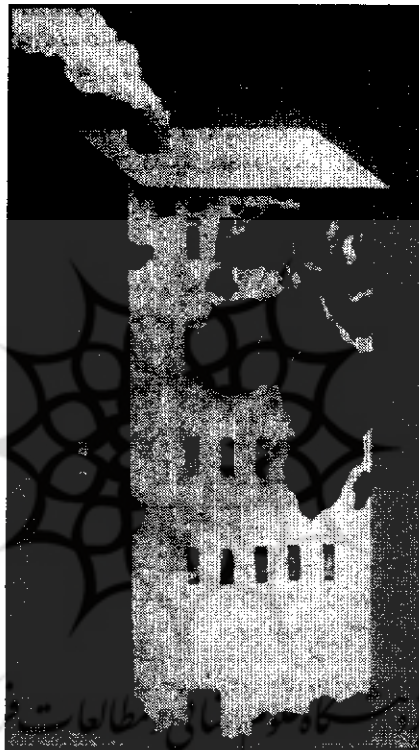
اقدام جدی را فقط در سطح ملی می‌توان انجام داد. تمام کشورها باید تشویق شوند که تا سال ۱۹۹۵ استراتژی جامع توسعه پایدار خود را تهیه نمایند. این کار باید در تمام برنامه‌های بلندمدت کشورها که در حال اجرا هستند، اعمال شود. به عنوان نمونه، پی‌گیری کنفرانس جامتین در مورد آموزش برای همه، تصمیم‌گیری در مورد کودکان در اجلاس زمین، استراتژی توسعه انسانی کشور، استراتژی طویل‌مدت برای آفریقا و غیره. چنین برنامه‌های توسعه‌ای باید توسط هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی تهیه شوند. برنامه عمران

ملل متحد باید نقش اصلی در ایجاد ظرفیت‌های ملی و تجهیز منابع و نقطه اتصال برای همه تلاش‌های چندین جانبه در این زمینه را به عهده داشته باشد. این استراتژی‌های ملی باید در اختیار هیأت بین‌المللی توسعه پایدار قرار گیرد و مسوولیت هماهنگی برنامه‌ها هم باید به عهده آنها گذاشته شود تا ابتکارات در سطح بین‌المللی پیشنهاد شود.

کنفرانس استکهلم وزارتخانه‌ها و سازمان‌های محیط‌زیست را بوجود آورد. اجلاس ریو هم باید توجه به محیط‌زیست را در وزارتخانه‌های برنامه‌ریزی و دارایی مطرح نماید.

**۱۰) باید یک شورای امنیت در زمینه توسعه در سازمان ملل بوجود آید و چارچوبی را تهیه کند که مفهوم جدید امنیت انسانی شامل امنیت اکولوژیکی و اقتصادی را در خود داشته باشد.**

سازمان ملل نظام حکومت جهانی مؤثری را به جامعه جهانی پیشنهاد کرده است، ولی این نظام هنوز فاقد روش اداره و قابل باور برای هماهنگ کردن سیاست توسعه جهانی می‌باشد. همین طور که مسایل توسعه جنبه جهانی پیدا می‌کنند و حدود آن‌ها عالمگیر می‌شود، نیاز مبرم برای ایجاد شورای امنیت



▲ بسیاری از کشورها، استانداردهای مربوط به حداقل کارایی انرژی برای صنایع، وسایط نقلیه و سکونتگاه‌ها را اجباری کرده‌اند.

توسعه نیز احساس می‌شود. چنین شورایی باید به بررسی امنیت به صورت عام و وسیع آن بپردازد؛ به صورت امنیت برای مردم و نه فقط برای سرزمین، بلکه برای تمام مسایل از جمله امنیت غذایی و امنیت اکولوژیکی. فکر اصلی آن است که آگاهی در زمینه سیاست بوجود آید که بعداً به وسیله دستگاه‌های مسوول به اجرا درآید.

یکی از اولین وظایف شورای امنیت توسعه این است که به بحث در مورد منشور زمین بپردازد و در مورد چارچوب آن موافقت به عمل آورد که برای تصویب در اختیار تمام کشورها قرار گیرد. منشور

زمین باید نسبت به تعهدات کشورها در مورد محیط‌زیست به بحث بپردازد، به طوریکه مورد توجه و توافق همه باشد. این منشور به عنوان مثال، باید شامل موارد زیر باشد:

- سهمیه مشخصی باید برای انتشار کربن و سایر آلودگی‌های جهانی تعیین شود.

- عوامل مستدلی به عنوان سیاست جهانی انرژی را دربر داشته باشد.

- سیاست قیمت‌گذاری برای فضای زیست بوم وجود داشته باشد.

- بعضی از اشکال وضع مالیات در سطح بین‌المللی یا ارزیابی کمک به منظور افزایش منابع برای توسعه پایدار را در مدنظر قرار دهد.

شورای امنیت توسعه باید فشارها و محرومیت‌های انسانی را که حاصل تقریباً عواملی از قبیل بی‌عدالتی‌های بین گروه‌ها، بین نواحی و بین ملت‌ها است، بشناسد. یک نظام غیر عادلانه هرگز نمی‌تواند پایدار باشد. بنابراین، مساله بزرگ فقر جهانی باید مورد توجه واقع شود، زیرا بدون اینکه فقر از بین برود، محیط‌زیست صلح‌آمیز به وجود نخواهد آمد.

اجلاس زمین، یک فرصت استثنایی است برای این که فضای جهانی جدیدی بوجود آید و کشورهای غنی و فقیر در کنار هم قرار گیرند. چنین تشکلی، برای پایداری آینده شامل اجزایی است که دربرگیرنده آرمان شمال و جنوب است. برای مثال، انتظارات جدیدی برای کاهش فقر جهان، بازداشتن نرخ رشد جمعیت، دسترسی عادلانه به فرصت‌های جهانی بازار، قطع جنگل تراشی و حمایت از منابع بیولوژیکی، تأمین انرژی لازم برای توسعه، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و بوجود آوردن و توزیع فن‌آوری‌های مورد نیاز برای توسعه پایدار. جلب چنین پیمان جهانی محدود‌های را ارایه می‌دهد که مورد علاقه همگان خواهد بود.

اجلاس زمین که در جون ۱۹۹۲ تشکیل می‌شود، زمینه و آغاز فرآیند طویل‌مدتی خواهد بود که جنبه یک طرفه نخواهد داشت. اگر نسل انسان بالاخره کشف کند که حیاتش وابسته به حیات دیگران است و اگر توجه کند که برای تمام توده مردم بالاخره ایجاد یک راه حل می‌تواند فاصله بین شمال و جنوب را کاهش دهد، آنگاه آگاهی بیشتری از نیاز مبرم برای عدالت اجتماعی و برای زندگی با یکدیگر ایجاد خواهد شد، آنهم در سیاره‌ای که به شدت دچار پراکندگی می‌باشد. بنابراین، اجلاس زمین می‌تواند شروع به درک جدید و عصر همکاری و یک سفر جدید از امید باشد. این فرآیندی است که ما باید خودمان را به آن متعهد نماییم. ■